

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/01/25

موضوع: الگوی عملی و رفتاری، برای تحوّل درونی در ماه مبارک رمضان

سخنرانی در یگان حفاظت سپاه علی ابن ابیطالب

فهرست مطالب این برنامه:

خاصیت عجیب نماز با تربت حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه)

ماه مبارک رمضان، فرصت خوبی برای تحول درونی!

پیغام مهم «آیه الله قاضی» از عالم برزخ، به «آیه الله حسن زاده آملی»!

این انجیر را بخور، بیماری فرزندت خوب می شود!

عارفی که خواب امام خمینی را به درستی تعبیر کرد!

این بچه چه گناهی کرده که بر سرش داد کشیدی؟

یک روایت عجیب: خداوند چهار چیز را در چهار چیز مخفی کرده است!

حمّالی که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) به دیدار او می رفت!

اگر این کار را کردید، شیطان دیگر تا ابد دور و بر شما نمی‌گردد!

استاد: آیت الله دکتر حسینی قزوینی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله

والصلاة على رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى

يوم لقاء الله. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم، و سپاس دیگر اینکه توفیق‌مان داد ماه مبارک رمضان امسال را هم توانستیم درک کنیم و در اولین روز در جمع شما بزرگواران و مجاهدان عرصه دفاع از حریم ولایت حضور پیدا کنیم.

من در این بیست پنج دقیقه تا نیم ساعتی که در خدمت عزیزان هستم چند نکته‌ای را به صورت فهرست وار که ما باید الگوی عملی‌مان مخصوصاً که در ماه مبارک رمضان قرار بدهیم تقدیم می‌کنم.

نکته‌ی اول: ما باید احساس کنیم ماه مبارک رمضان با ماه‌های دیگر خیلی تفاوت دارد، همان گونه‌ای که این ماه به تعبیر رسول اکرم در آخرین جمعه شعبان آن خطبه مفصلی را خواندند و فرمودند:

«هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ»

الأمالی (للصدوق)؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: ندارد. ناشر: کتابچی، النص، ص 93،

ح 4، المجلس العشرون

من گمان می‌کنم دیگر تعبیری از این ظریف‌تر نمی‌شود بیان کرد. این ماه، ماهی است که در آن در ضیافت خدا هستیم، در مهمانی خدا هستیم. وقتی کسی شما را به مهمانی دعوت می‌کند تلاش می‌کند آنچه که در توانش است برای پذیرایی شما فراهم کند.

کسی که ما را به مهمانی دعوت کرده است، خدای عالم است:

(بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ)

خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست اوست

سوره یس (36): آیه 83

(بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست.

سوره ملک (67): آیه 1

(لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست

سوره زمر (39): آیه 63

همه چیز در دست اوست؛ آسمان و زمین در دست او است؛ دنیا و آخرت در دست او است. فقط یک حرکتی از ما خواسته‌اند، الباقی همه به عهده او است.

دو سه تا تعبیری در این خطبه پیامبر است که خیلی زیبا و تکان دهنده است. یکی در ابتدای خطبه است که حضرت می‌فرماید:

«وَدُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ»

دعاهای شما در این ماه مستجاب است

الأمالی (للصدوق)؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: ندارد. ناشر: کتابچی، النص، ص 93،

ح 4، المجلس العشرون

مگر در ماه‌های دیگر مستجاب نبود، مگر قرآن نمی‌گوید:

(ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ)

مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم!

سوره غافر (40): آیه 60

شاید رمزش این باشد که در ماه‌های دیگر اگر موانع اجابت دعا بود، دعا به اجابت نمی‌رسید ولی خدای عالم در این ماه و به برکت این ماه، موانع دعا را بر طرف می‌کند. شرایط دعا باشد یا نباشد دعا مستجاب است.

خاصیت عجیب نماز با تربت حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه)

در رابطه با سجده بر تربت آقا امام حسین (سلام الله علیه) در روایت، نکته عجیبی داریم. وقتی اعمال ما را بالا می‌برند، ایستگاه‌های مختلفی است. ایستگاه غیبت، ایستگاه دروغ، ایستگاه بهتان افترا. ملائکه موکل بررسی می‌کنند اگر این کسی که نماز خوانده اهل غیبت باشد از همانجا نمازش را بر می‌گردانند. در روایت دارد به سرش می‌کوبند.

اگر اهل غیبت نبود، به ایستگاه بعدی می‌رود که ایستگاه دروغ است. اگر اهل دروغ باشد این نماز را بر می‌گردانند. اگر از آنجا رد شد و بالا رفت، اهل نگاه به نامحرم بوده دوباره بر می‌گردانند؛ یعنی به تعداد گناهان ایستگاه‌هایی است که در این ایستگاهها، بررسی می‌کنند تا ببینند صاحب این عمل این موانع را رعایت کرده و یا رعایت نکرده است.

آقا امام صادق (سلام الله علیه) قریب به این مضمون می‌فرماید: "چه بسا هفتاد، هشتاد سال از عمر یک مؤمن می‌گذرد؛ ولی یک رکعت نماز قبول شده در پرونده‌اش نوشته نمی‌شود."

ولی دارد وقتی مؤمن به تربت امام حسین (سلام الله علیه) سجده می‌کند، وقتی نمازش بالا می‌رود، همان پاسگاه اول که مثلا پاسگاه غیبت است، مأمورین می‌خواهند بیایند بررسی کنند می‌بینند این نماز بوی امام حسین می‌دهد، لذا کنار می‌روند!

پاسگاه دوم، پاسگاه دروغ است، ملائکه می‌آیند بررسی کنند می‌بینند بوی امام حسین از صاحب این نماز می‌آید، می‌گویند تمام این حجاب‌ها را می‌شکند تا این عمل در عرش الهی می‌رود و ثبت می‌شود.

این‌که می‌فرماید:

پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

«رَبِّ صَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ صِيَامِهِ الْجُوعُ وَالْعَطَشُ»

چه بسا افرادی روزه می‌گیرند، ولی غیر از تشنگی و گرسنگی چیزی عایدشان نمی‌شود

الأمالی (للطوسی)؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، تاریخ وفات مؤلف: 460 ق، ناشر: دار

الثقافة، قم: 1414 ق؛ ص 166، ح 277

لذا نبی مکرم در این خطبه می‌فرماید:

«أَبْوَابُ الْجَنَّةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتَحَةٌ»

درهای بهشت در این ماه به روی شما باز است.

خیلی تعبیر قشنگ و زیبایی است. بعد فرمود:

«فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُغْلَقَهَا عَلَيْكُمْ»

در این ماه از خدا بخواهید هرگز درهای بهشت را برای شما نبندد

یعنی در ماه رمضان، ما بیایم تا آخر عمرمان، خودمان را بیمه کنیم که دیگر این درهای بهشت به روی ما تا ابد بسته نشود.

«وَأَبْوَابُ النَّارِ مَغْلُوقَةٌ»

درهای آتش - چه آتش دنیوی و چه آتش اخروی- در این ماه بسته است.

«فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُفْتَحَهَا عَلَيْكُمْ»

از خدا بخواهید که هرگز این درها را به روی شما نگشاید

«وَالشَّيَاطِينِ مَغْلُوبَةٌ»

شیطان‌ها در این ماه به غل و زنجیر کشیده شدند

«فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُسَلِّطَهَا عَلَيْكُمْ»

از خدا بخواهید تا آخر عمر شیطان را بر شما مسلط نکند.

الأُمالي (للصدوق): ابن بابويه، محمد بن علی، محقق / مصحح: ندارد. ناشر: کتابچی، النص، ص 93

تا 95، ح4، المجلس العشرون

اگر ما در این ماه این سه تا مسئله را توانستیم در زندگی‌مان محقق کنیم، برنده هستیم. البته دوستان! شنیدن خیلی راحت است، تصورش هم خیلی راحت است ولی عمل کردن سخت است.

پیغام مهم «آیه الله قاضی» از عالم برزخ، به «آیه الله حسن زاده آملی»!

یکی از عرفای بزرگ می‌گفت: "من یک روزی با خانواده‌ام عصبانی شدم، در عالم معنا به من گفته شد تا بیست سال دعایت به اجابت نمی‌رسد، تا بیست سال دعاهايت محبوس شد!!"

بعضی وقت‌ها یک کارهای در زندگی ما صورت می‌گیرد که ما توجه نداریم. «آیت الله حسن زاده آملی» که الان در قید حیات است، ایشان نقل می‌کند: "یک روزی من خیلی خسته بودم، ظهر می‌خواستم بخوابم، ولی بچه‌ها و نوه‌هایم آمده بودند بازی گوشی می‌کردند. من یک دادی به سر این‌ها زدم که بچه‌ها آرام من یک دقیقه استراحت کنم!

بعد احساس کردم دل بچه‌ها شکست، از این که من یک مقدار صدایم را بلند کردم ناراحت شدند و عصبانی شدند. بلند شدم رفتم بیرون یک جعبه شیرینی گرفتم آوردم به بچه‌ها دادم تا از دل‌شان در بیاورم."

بینید مردان خدا این قدر در زندگی مواظب هستند. نه این که ما وقتی عصبانی می‌شویم حتی استغفار که نمی‌کنیم، تازه از عصبانی شدن مان خوشحال هم هستیم و از خودمان خیلی راضی هستیم!

ایشان می‌گوید: "من احساس کردم دل شکستم." دل که شکسته شد، مثل یک ظرفی که شما شکستید، هر چه چسب بزنید و درست و قابل استفاده هم باشد، این ظرف دیگر شکست فایده ندارد.

"به خانم بچه‌هایم گفتم می‌خواهم دو سه روزی مسافرت بروم. به «تبریز» منزل آقای «سید حسن طباطبائی» برادر «علامه طباطبائی» صاحب «المیزان» رفتم. ایشان هم از اولیاء الله بود. درب زدم ایشان دم درب آمد گفت: آقای «حسن‌زاده»! شما الان باید در «آمل» باشید، اینجا برای چه آمدید؟

داستانم را گفتم و رفتیم نشستیم. همین که خواستم شروع به صحبت کنم گفت: راستی مرحوم «آیت‌الله قاضی» که از عرفای بزرگ و دارای چشم برزخی بود، یک پیامی به من داد که به شما بگویم. گفتم: بفرمایید.

گفت: مرحوم «قاضی» گفت: به آقای «حسن‌زاده آملی» بگویید با این کارش می‌خواهد خدمت امام زمان هم برسد؟ با این دل شکستن، انتظار تشریف به خدمت امام زمان هم دارد؟"

ما باید خیلی حواس‌مان را جمع کنیم و خیلی دقت کنیم. تلاش کنیم کوچک‌ترین عملی که موجب می‌شود رضایت خدا را از دست بدهیم، رضایت حضرت ولی‌عصر را از دست بدهیم، در این ماه تمرین کنیم حال که شیاطین به غل و زنجیر هستند از خدا بخواهیم هرگز این‌ها را به ما مسلط نکند.

حال که درهای جهنم بسته شده تلاش کنیم و از خدا بخواهیم این درهای جهنم را به روی ما نگشاید حال چه کار کنیم؟ پاسخ این است: فقط یک جو اراده می‌خواهد. هیچ چیزی دیگر نمی‌خواهد.

حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «چهل حدیث» خودشان در رابطه با «سیر و سلوک الی الله» می‌گوید: بعضی از آقایان مثل «خواجه عبدالله انصاری» کتابی به نام «منازل السائرین» نوشته که صد منزل دارد و هر منزلی هم ده منزل است. یعنی می‌شود هزار منزل. که ما باید این هزار منزل را طی کنیم. از منزل «یقظه» و «استغفار» و ... بگذریم تا به الله برسیم، تا به آن مرحله‌ای برسیم که متعلق به اخلاق الهی شویم. به مرحله ای که:

«كُنْتَ سَمْعُهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرُهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدُهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلُهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:

256، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.

مصطفى ديب البغا، ج 5، ص 2384، ح 6137

این را روایات شیعه و سنی دارد. در «صحيح بخاری» هم نقل کردند که یک بنده‌ای با نماز واجب و مستحب به یک مرحله‌ای می‌رسد که خدا چشم او می‌شود، دست او می‌شود. یعنی دست و چشم او، دست و چشم خداوند می‌شود. همان طوری که خدای عالم فرمود:

(إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز

بی‌درنگ موجود می‌شود!

سوره یس (36): آیه 82

بنده هم به آن مرحله می‌رسد یا به تعبیر «مولانا»:

رسد آدمی به جای که به جز خدا نبیند

بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

بار دیگر از مَلَك پَران شوم

آنچه در وهم تو ناید آن شوم.

این انجیر را بخور، بیماری فرزندت خوب می‌شود!

یکی از شاگردان مرحوم «آقای نخودکی» برای خود من نقل می‌کرد که: "مرحوم «آیت‌الله محسنی»

می‌گفت: از کنار حرم حضرت معصومه می‌رفتیم، یک آقایی مرحوم «نخودکی» را دید - حضرت امام هم با

ایشان دیداری داشتند. ایشان یکی از اولیاء الله و دارای ولایت تکوینی یا چشم برزخیه بود. -گفت: یک بنده خدایی آمد و گفت آقای «نخودکی»! پسر من برای تحصیل به «آمریکا» رفته و بیمار شده و الان در بیمارستان بستری شده و حالش خیلی خراب است. دیگر از او قطع امید کردیم.

می‌گفت ایشان از جیبش انجیری در آورد و به او داد گفت این را بخور، او انجیر را خورد. آقای «نخودکی» گفت: فرزندت خوب شد. گفت آخر چطور؟ گفت: تماس بگیر بعد ایشان رفت تماس گرفت، گفتند: نیم ساعت قبل فرزندت روی تخت بیمارستان بود حالش صد در صد بهتر شد، و الان دارد به خانه می‌رود. این را می‌گویند: رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند! که این‌جا با یک اراده به آن‌جا می‌رود.

یکی از آقایانی که واقعاً به یک مرحله رسیده بود، با یک واسطه از یکی از اساتید حوزه که من خیلی به او اعتماد دارم، برای من نقل می‌کرد که: روزی خدمت ایشان بودیم، البته ایشان در «نجف» هستند. این قضیه شاید برای دو سال قبل است. برای بیست، سی سال قبل نیست!!

این قضیه را که می‌خواهم نقل کنم از کسانی است که کاملاً مورد اعتماد است و دکان و این‌ها هم ندارد. شاید در حوزه ده نفر هم ایشان را شناسد.

گفت: می‌خواهی به زیارت امیرالمؤمنین بروی؟ گفتم: از خدا می‌خواهم. گفت: من یک جمله‌ای می‌گویم شما هم تکرار کن. گفت: یک جمله دو سه تا از اسماء الهی را گفت:

«يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا اللهُ...»

گفت: الان کجا هستی؟ گفتم: در حرم حضرت امیر هستم. گفت: من این‌جا هستم برو زیارت بکن و برگرد. گفت: رفتم داخل. اول شک کردم، بعد بیرون آمدم «ایوان طلا» را دیدم و زیارت کردم و برگشتم و بعد به جاهای دیگر هم رفتم.

گفت: می‌خواهی به «قم» برگردیم؟ گفتم: آقا برگردیم. او یک جمله‌ای گفت و من هم گفتم، دیدم در آن اتاقی که بودیم هستیم.

چون ماها با این‌طور افراد انس نداریم، تصور می‌کنیم که انسانیت این است که مالی جمع کنیم، دارای زن و فرزند بشویم، مقامی داشته باشیم و رفت و آمدی داشته باشیم.

ولی مردان خدا به یک جاهایی می‌رسند که یک رکعت نماز آن‌ها از هزار سال سلطنت قوی‌ترین سلطان روی زمین، بیش‌تر لذت دارد!

ولذا ما در این ماه، تلاش کنیم خودمان را به آن قله بالا برسانیم که وقتی چشم باز می‌کنیم نه تنها عالم ملکوت، بلکه عالم جبروت با ملائکه‌های مقرب انس بگیریم و آن‌ها را ببینیم.

عارفی که خواب امام خمینی را به درستی تعبیر کرد!

من یک روزی خدمت «آیت‌الله کشمیری» بودم. اولین جلسه‌ام در سال 61 بود که خدمت ایشان رسیدم. داستان آقای «کشمیری» را حتماً می‌دانید که وقتی حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) در «نجف» بودند، حاج آقا «مصطفی» می‌گفت: به امام گفتم: یک سیدی است که از گذشته و آینده خبر دارد، امام گفت: «مصطفی» ما را با این درویش مرتبط نکن. بگذار ما همان آخوندیمان را بکنیم.

یک روزی امام خواب می‌بیند که وارد قبر شده و یک کلوخی پشت سرش است و اذیتش می‌کند. فردا پس فردا حاج آقا «مصطفی» خدمت امام می‌آید، امام می‌فرماید: این‌که می‌گویی آقا سیدی است و از همه جا خبر دارد، از او سوال کن من چه خواب دیدم و تعبیرش چه است؟

البته خود آقای «کشمیری» هم برای من نقل می‌کرد. خدا «آیت‌الله خزعلی» را بیامرزد، این قضیه را در روز وفات «آیت‌الله العظمی خوئی» در «مسجد اعظم» که شاید دو سه هزار نفر جمعیت بود و مسجد و حیاط مملو از جمعیت بود، در آنجا نقل کرد.

حاج آقا «مصطفی» خدمت «آیت‌الله کشمیری» می‌رود و می‌گوید: پدرم من چه خواب دیده و تعبیرش چیست؟ آقای «کشمیری» گفت: پدرت همچین خوابی دیده و خودش تعبیر کرده که آخر عمرش است و لذا وصیت‌هایش را کرده! ولی تعبیرش هم درست نیست.

تعبیر صحیح این است که ایشان به «ایران» می‌رود و «شاه» را بیرون می‌کند و حکومت ولایت فقیه تأسیس می‌کند. می‌گفت: وقتی حاج آقا «مصطفی» خدمت امام بر می‌گردد و این را می‌گوید، امام تکان می‌خورد، می‌گوید «مصطفی»! این سید دیدن دارد، پاشو پیش او برویم.

خود آقای «کشمیری» به من گفت: ما هر روز نیم ساعت، چهل دقیقه با امام در صحن حضرت امیر می‌نشستیم و با هم گده می‌کردیم. می‌گفت: یک روزی امام به من گفت که من 40 سال است زیارت جامعه کبیره‌ام ترک نشده است.

این بچه چه گناهی کرده که بر سرش داد کشیدی؟

من اولین جلسه‌ای که خدمت آقای «کشمیری» رسیدم - خدا روح‌شان را شاد کند بالا سر حرم دفن است - داشتم خدمت ایشان می‌رفتم و یکی از فرزندانم آقا «محمدهادی» که سه سالش بود گفت بابا من هم می‌آیم. گفتم جایی که من می‌روم جای بچه نیست. دیدم سماجت می‌کند. دادی بر سرش کشیدم و در را بستم.

خدا را شاهد می‌گیرم با زبان روزه، در «منطقه آبشار» وقتی وارد بیت آقای «کشمیری» شدم سلام که گفتم، فرمود علیکم السلام ورحمة الله وبرکاته! این بچه چه گناهی کرده که بر سرش داد کشیدی؟ اصلاً گویا آب یخی بر سر من ریختند.

بعد ایشان شروع کرد این کار تو درست است، این کارت نادرست است. من احساس کردم ایشان سال‌ها با من زندگی کرده؛ حتی بعضی از مطالبی که بین خود من و خدا بود را می‌دانست. مثلاً آقا فلان روز شما یک عهده‌ی کرده بودی چرا عمل نکردی؟!

بینید مردان الهی به اینچنین مراحل رسیدند که ما بخواهیم در ماه مبارک رمضان به این مرحله برسیم. به مرحله‌ای برسیم که پیغمبر فرمود:

«تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ»

روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط- القديمة)؛ نویسنده: مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، تاریخ وفات مؤلف: 1070 ق، محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم، 1406 ق؛ ج 1، ص 312

و یا در حدیث قدسی داریم که:

«یا عبدي إني أنا الله إذا اردت شيئاً أن اقول له كن فيكون»

من خدای هستم وقتی اراده کنم همه چیز محقق می‌شود

«فاطعني حق اطاعتي حتى اجعلك مثلي واذا اردت شيئاً أن تقول له كن فيكون»

آن طوری که حق بندگی است بندگی کن، تو را مثل خودم قرار بدهم که وقتی اراده می‌کنی به مجرد اراده تمام نیت تو در خارج محقق بشود.

بحار الأنوار (ط- بیروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، تاریخ وفات مؤلف: 1110 ق، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بیروت، 1403 ق؛ ج 102، ص 165

اگر به اینجا رسیدیم یکی از فلسفه خلقت را درک کردیم. اما اگر نه، به اینجا نرسیدیم و آمدیم و گشت و گذاری در دنیا کردیم و اموالی جمع کردیم و زن و فرزندی داریم و یک روزی هم خداحافظی کردیم و رفتیم، این زندگی هیچ سودی به حال ما ندارد.

یک روایت عجیب: خداوند چهار چیز را در چهار چیز مخفی کرده است!

یک روایتی در ذهنم از سال 48-49 هست. ما یک برادری داشتیم که در سن 14 سالگی مرحوم شد، یکی از آقایان منبر بود که روایتی را نقل کرد. این روایت برای من خیلی عجیب بود. خیلی دنبالش بودم که این روایت را پیدا کنم.

همین دیروز که جناب آقای «امیدی» بزرگوار و حضرت حاج آقای «عیسوی» افتخار داده بودند به منزل ما تشریف آوردند، در ذهنم آمد بینم این روایت را می‌توانم از کامپیوتر پیدا کنم یا خیر. خیلی روایت عجیبی است، برای من روایت خیلی جالب است.

روایت از امام باقر (سلام الله علیه) و ایشان از حضرت امیر که می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحْفَى أَرْبَعَةً فِي أَرْبَعَةٍ»

خدای عالم چهار مسئله را در چهار چیز مخفی کرده است.

تقاضا دارم عزیزان خوب دقت کنند. اگر این جلسه ما هیچ حاصلی نداشته باشد مگر اینکه این پیام حضرت امیر را که صاحب این ماه است، خوب تحویل بگیریم می‌ارزد.

«أَحْفَى رِضَاهُ فِي طَاعَتِهِ فَلَا تَسْتَضِعِرْنَ شَيْئاً مِنْ طَاعَتِهِ فَرِيماً وَافَقَ رِضَاهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ»

خدای عالم رضایت خودش را در اطاعتش مخفی کرده، از اطاعت خدا غافل نشو! چه بسا همین اطاعتی که تو توجه نداری همین باعث رضایت خدا است.

به طور مثال می‌گویند موقع خوابیدن وضو بگیر؛ بعضی از اولیاء و علماء حتی از خواب هم بیدار می‌شدند وضو می‌گرفتند. یا شب ایستاده آب نخورید، چه بسا یک چیز خیلی کوچکی است ولی آدم توجه ندارد.

یک موقع می‌بینی همان اطاعت کوچکی که ما هیچ توجهی نداریم، رضایت خدا در آن است. وقتی رضایت خدا آمد همه چیز است. هیچ چیزی از دستورات دینی چه مستحبات، چه مکروهات را کوچک نشمارید. چه بسا همان مستحب یا مکروه که کوچک می‌شمارید رضایت خدا همان‌جا خوابیده است.

دوم فرمود:

«وَ أَحْفَى سَخَطُهُ فِي مَعْصِيَتِهِ»

خدای عالم غضبش را در معصیتش مخفی کرده است.

«فَلَا تَسْتَضِعِرْنَ شَيْئاً مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَرْبَمَا وَافَقَ سَخَطَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ»

چیزی از گناه و معصیت را کوچک نشمارید چه بسا همین معصیت کوچک باعث غضب خدا می‌شود.

کمال الدین و تمام النعمة؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق/ مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: اسلامیة، ج 1، ص 296، ح 4

شما داری می‌روی، یک فقیری می‌بینی با چشم حقارت به او نگاه می‌کنی، می‌روی یک دفعه چشمت به نامحرم می‌افتد سریع چشمت را پایین نمی‌آوری، چه بسا همین باعث غضب خدا بشود. ما روایات متعدد داریم که بنده، یک گناهی می‌کند خدای عالم می‌فرماید:

«لَا وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أَغْفِرُ لَكَ بَعْدَهَا أَبَداً»

قسم به عزت و جلالم دیگر تو را نخواهم بخشید!

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 2، ص 142، بَابُ تَعْجِيلِ فِعْلِ الْخَيْرِ، ح 6

چه بسا یک گناهی از یک عبدی سر می‌زند، به خاطر این گناه، صد سال در جهنم معذب می‌شود و نگاه می‌کند زن و بچه و رفیق و دوستش در بهشت لذت می‌برند و این به خاطر یک گناه گرفتار عذاب خدا شده است.

«إِنَّ الْعَبْدَ لِيُخْبَسَ عَلَى ذَنْبٍ مِنْ ذُنُوبِهِ مِائَةَ عَامٍ وَ إِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى أَزْوَاجِهِ فِي الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمْنَ.»

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 2، ص 272، بَابُ الذُّنُوبِ، ح 19

ولذا امیر المؤمنین فرمودند گناه خدا را کوچک نشمارید، چه بسا همین گناهی که کوچک می‌شمردی غضب خدا در همین است.

سوم اینکه:

«وَأُخْفَىٰ إِجَابَتُهُ فِي دُعَائِهِ فَلَا تَسْتَضَعِرَنَّ شَيْئًا مِنْ دُعَائِهِ فَرَبِّمَا وَافَقَ إِجَابَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ»

خدای عالم اجابتش را در دعا قرار داده چیزی از دعا را کوچک نشمارید.

بعضی وقت مشغول خوابیدن هستی، همانجا در رختخواب، یک دفعه به یاد خدا افتادی و همانجا یک دعا کردی؛ همین دعایی که در رختخواب کردی به اجابت رسید. نیمه شب از خواب بیدار شدی و در رختخوابت می غلطی، همانجا یک دعایی کردی همین دعا به اجابت رسید.

خدای عالم اجابتش را در داخل دعاهایش مخفی کرده، چیزی از دعا را کوچک نشمارید. شاید همین دعایی که به نظر شما کوچک می‌آید، خدای عالم همین دعای تو را به مرتبه اجابت رساند.

چهارم:

«وَأُخْفَىٰ وَلِيُّهُ فِي عِبَادِهِ»

خدای عالم ولی خودش را در میان بندگانش مخفی کرده است

«فَلَا تَسْتَضَعِرَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ فَرَبِّمَا يَكُونُ وَلِيُّهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ»

هیچ بنده‌ای را کوچک نشمارید، چه بسا همین بنده‌ای که کوچک می‌شماری، ولی خدا باشد.

کمال الدین و تمام النعمة؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق/ مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر:

اسلامیه، ج 1، ص 296، ح 4

حقالی که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) به دیدار او می رفت!

در شرح حال مرحوم «آیت الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی» از مراجع بزرگ که در عصر خودش هم تنها مرجع بوده است، آورده‌اند که ایشان می‌گوید: "من می‌رفتم درس و می‌آمدم؛ یک حقالی بود گاهی می‌آمد به ما سلام می‌داد و ما هم کیف و حالی می‌کردیم.

دیگر باهم رفیق شده بودیم، یک روزی برگشت به من گفت: من از شما یک خواهشی دارم، می‌شود عمل کنید؟! گفتم: باشد، گفت: این آدرس من است، آدرس را گرفتم با یکی دو نفر از دوستان رفتیم دیدیم منزل خیلی مخروبه‌ای در آن جا است.

گفت: من امروز مثلا ساعت دوازده از دنیا خواهم رفت، گفتم: نه آقا جان اگر بیماری، تو را به بیمارستان ببریم؟ گفت: نه، آقایم به من گفته امروز من می‌میرم، گفتم آقایت کی هست؟ گفت حضرت ولی عصر! گفتم: مگر حضرت را می‌بینی؟ گفت: بله گاهی لطف دارد سری به ما می‌زند و حالی از ما می‌پرسد!!

مرحوم «سید ابو الحسن» می‌گوید من لرزیدم، من مرجع تقلید، من با این شصت سال، هفتاد سال اصلا در این فازها نیستیم، یک حقال می‌گوید حضرت به ما سر می‌زند!

گفتم: چطور به این مقام رسیدی؟ گفت: من در جوانی یک گناهی برایم پیش آمد، گفتم خدایا من برای رضای تو این گناه را نمی‌کنم. به خاطر ترک آن گناه دیدم یکی دو روز بعد حضرت ولی عصر آمدند به من سر زدند. بعد از آن هم هر مدتی یک دو روزی می‌آید به من سر می‌زند و با من انس می‌گیرد و ما هم خدمتشان اظهار ارادت می‌کنیم."

بینید یک حقال که به نظر ما خیلی کوچک است؛ ولی به یک مرحله‌ای می‌رسد که حضرت ولی عصر می‌آید به او سر می‌زند!

اگر این کار را کردید، شیطان دیگر تا ابد دور و بر شما نمی‌گردد!

خداوند «آیت الله العظمی بهجت» را بیامرزد، ما توفیق داشتیم یک سال، یک جلسه خصوصی با ایشان داشتیم، ایشان می‌گفت: اگر می‌خواهید گناه نکنید صبح که پا می‌شوید، بلند شوید رو به قبله دست به سینه بگویید: «السلام علیک یا صاحب الزمان»

حرکت می‌کنید بگویید: «یا صاحب الزمان». می‌شنید بگویید: «یا صاحب الزمان»، مشغول کار می‌شوید بگویید: «یا صاحب الزمان». می‌خواهید بخوابید رو به قبله باز دست به سینه بگویید: «السلام علیک یا صاحب الزمان»! اگر این کار را کردید دیگر شیطان تا ابد دور و بر شما نمی‌گردد.

حتما شرح حالش را شنیدید که آقا زاده‌شان می‌گفت: "آن روزی که ایشان از دنیا رفت، دو سه روز قبل گفت: من مثلا روز دوشنبه ساعت ده صبح از دنیا می‌روم، گفت من به والده گفتم الان چند روزی است حاج آقا اصلا شب‌ها خواب ندارد. مشغول خواندن قران و عبادت است، همه اش «یا صاحب الزمان» می‌گوید."

گفت: "حالشان خراب شد خواستیم دکتر ببریم، گفت من را دکتر نبرید، من دیگر رفتنی هستم، ایشان را سوار آمبولانس کردیم وسط راه یک دفعه با این‌که حال نداشت بلند شد نشست گفت: «السلام علیک یا صاحب الزمان» آقا جان! همین که گفت «السلام علیک آقا جان» دیگر چشم‌هایش را بست و رفت."

مرحوم «بید آبادی» از علمای بزرگ «اصفهان» در «تخت فولاد اصفهان» دفن است، می‌گوید یک شیعه باید خودش را تمام وقت در محضر امام زمان ببیند. ما در دعاها هم داریم، خود آقای «بهجت» هم تعبیرش این است وقتی شما «یا صاحب الزمان» می‌گویید قبل از آن‌که گوش شما بشنود امام زمان می‌شنود.

صدای شما با گوش‌تان چقدر فاصله دارد؟ چهار انگشت. این کلام شما قبل از این‌که به گوش خودتان برسد، حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌شنود.

شما به خودتان نگاه می‌کنید قبل از این‌که شما خودتان را ببینید آقا امام زمان شما را می‌بیند و لذا ما تلاش کنیم در این ماه رمضان خودمان را امام زمانی کنیم. تلاش کنیم به یک مرحله‌ای خودمان را برسانیم که احساس کنیم همواره در محضر حق و در محضر ولی حق هستیم و این را ان شاء الله بعد از ماه مبارک رمضان هم بتوانیم ادامه بدهیم.

رسول اکرم در این خطبه فرمود:

«فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حَرَمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ»

شقی‌ترین انسان‌ها کسی است که ماه مبارک رمضان بگذرد و خودش را مورد عنایت و مغفرت خدای عالم قرار ندهد.

الأمالی (للصدوق)؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: ندارد. ناشر: کتابچی، النص، ص 93،
المجلس العشرون

خدایا تو را قسمت می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد، فرج مولای ما بقیة الله الاعظم را نزدیک بگردان. ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و همواره توفیق درک حضورش را عنایت بفرما.

خدایا به حق محمد و آل محمد این انقلاب ما را به انقلاب جهانبیش متصل بفرما. خدمت گذاران به اسلام و قرآن و اهل‌بیت بالاخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

خدایا دشمنان ما که دشمنان دین تو هستند اگر قابل هدایت نیستند مفتضح و نابودشان بگردان. خدایا به حق محمد و آل محمد بهترین‌هایی که برای بهترین‌بندگان در این ماه رمضان مقدر کردی برای ما هم مقدر کن.

خدایا هرگونه نکبت، بدی و آلودگی به گناه و بلاه و مصیبت را تا آخر عمرمان بحق محمد و آل محمد از ما دور بگردان. ما را یک آئی از محمد و آل محمد جدا مکن. خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار، شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان. گرفتاران رفع گرفتاری نما، حوائج ما، حوائج مؤمنین را خدایا در این ماه بر آورده نما، دعاهای ما به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهدا، صدیقین، صالحین بالاخص امام راحل صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»